



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

آمران الله را انجام بدهید

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولین والأخرین،
مدد یا رسول الله، مدد یا ساداتی أصحاب رسول الله، مدد یا مشایخنا،
شیخ عبدالله الفائز الداغستانی، شیخ محمد ناظم الحقانی، دستور.
طریقنا الصحبة والخیر فی الجمعیة.

انشاءالله طریقت ما را از طریق صحبت و همچنان با انسان های خوب مثل شما ادامه دارد. اینها دو ستونش هستند. اینها اصول طریقت نقشبندی هستند. این چیزهایی هستند که هر جای که بروید نیاز است انجام بدهید. صحبت نصیحت است. آن یکی دیگر نشانه تمرین نصیحت است.

طریقت خوبی را امر می دهد و خوبی را نشان می دهد. انسانی که وارد طریقت می شوند اول باید برای خود فایده داشته باشد، بعدش برای انسان های که اطراف شان هستند باید فایده داشته باشند. چونکه یک مسلمان انسانی نیست که تنها به خودش فکر کند. به عنوان مثال، به زودی که حضرت پیامبر مان (ﷺ) به دنیا آمد، او گفت "أمت، أمت، أمت". او به فکر آمتش بود. او در مورد آمتش در طول زندگیش فکر کرد، و در آخرت دوباره در مورد آمتش در روز قیامت فکر می کند، به عنوان شفاعت دار در نزد الله، براینکه به نام آمتش ها شفاعت کند قبول شده است.

بنابراین، نیاز داریم نه تنها به مورد خودمان در این دنیا فکر کنیم. هنگامی که انسان ها راحت هستند، کسانی که در اطراف آنها هستند، نیز راحت هستند. اگر آنها خودشان راحت هستند، کسانی که در اطراف شان هستند نیز راحت هستند و جامعه خوب است. اما، البته شیطان این را نمی خواهد. سربازان شیطان این را نیز نمی خواهند. کسانی که شیطان را پیروی می کنند این را نیز نمی خواهند و به طور مداوم چیزهای با توجه به ذهن خودشان درست می کنند. آنها همچنین مسلمانان را سردرگم می کنند با گفتند: "اول در مورد خودت نیاز دارید فکر کنید."

تفکر انسان های شرق کاملاً برعکس فکر انسان های غرب است. انسان های که در غرب هستند می گویند، "من اول، سپس دیگران." اما در اسلام لازم دارید هم زمان که خودت را نگاه می کنید، دیگران نیز درست مثل خودت نگاه کنید. لازم است دیگران نیز کمک کنید. لازم دارید فقیران و نیازمندان هم کمک کنید براینکه رضایت الله را به دست آورید.

طریقت، همونطوری که گفتیم، خوب را امر می کند، درجه خوبی انسان ها را افزایش می دهد، و سعی می کند بیماری های نفس بد را درمان کند. خدا را شکر مولانا شیخ (ق) این وظیفه را روی خودش قبول کرد و صدها هزار نفر از انسان ها را، انسان زیبا کرد، انسان های خوب درست کرد. آنها در هر



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

طرف دنیا در سعادت زندگی می کردند، به کسانی که در اطراف شان بودند چیزهایی خوب را نشان می دادند، و انسان ها به آنها با تحسین نگاه می کردند.

مولانا شیخ (ق) کسی بود که می توانست هر چیز را که از دنیا بخواهد به دست بیاورد، اما او هرگز برای دنیا تلاش نکرد. او عادت داشت دنیا را مثل یک سطل زباله، مثل کثافت دیدن. او یک ضرب المثل معروف داشت، به او "زیبیل" می گفت. یعنی زباله در زبان قیرس. آنها به سطل زباله که شهرداری جمع آوری می کند "زیبیل" می نامند. او دنیا اینطوری نگاه می کرد. او نگفت، "اجازه بدهید من آن را به آخرت ببرم،" و او به آن توجه نمی کرد. او رضایت الله خواست و تلاش کرد بر اینکه به عنوان بنده قبول شود. و الله آن را به او داد، الله او را به بالاترین مقام ها رساند. او عاشق ذکر الله بود.

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

"آگاه باشید، تنها با یاد الله دلها آرامش می یابد" (مطمئن به یاد الله دل ها صلح پیدا می کنند) (سور الرعد: ۲۸). این موضوعی است که مولانا شیخ (ق) در طول زندگی اش آموزش داده است. در حال حاضر به نظر می رسد بعضی از انسان ها برای آخرت کار می کنند، اما هدف اصلی آنها دنیا است. انسانی که هدف اصلی اش دنیا است و آخرت را برای این دنیا استفاده می کند، انسانی قابل قبول نیست. آنها "حقیقت" و "معرفت" می گویند، این و آن را می گویند، مقدار زیادی از کلام های آدم های که مقام های بالا دارند استفاده می کنند، و دنبال دنیا هستند. آنها این کار را انجام می دهند برای نشان دادن که خیلی می دانند.

اگر شما در راه الله هستید، آنچه را که الله امر داده انجام می دهید. کارهای اصلی که الله فرمان می دهد: ایمان، نماز، روزه، زکات و حج هستند. بعضی انسان ها اولین را انجام می دهند، و بقیه را انجام نمی دهند، و علاوه بر این به عنوان شیخ یا پیر خودشان را معرفی می کنند. آنها می گویند، "ما این را دیگر گذشتیم. دیگر هیچ نیاز به این بیشتر نداریم!" و انسان ها را فریب می دهند. در واقع، که اینها اصلی هستند. کسانی که این را انجام نمی دهند، کسانی که آنها را قبول نمی کنند، نه معرفت و نه حقیقت دارند. آنها فقط نفس و شیطان دارند.

این به طور ناگهانی اتفاق نمی افتد. شیطان یواش یواش وارد می شود. در ابتدا بر علیه سنت و مستحب می گوید: "این وجود ندارد. این غیر ضروری است." سپس [او بر علیه] امر الله صحبت می کند، آنچه را که او در قرآن می گوید. او نیز بر علیه حدیث صحبت می کند. در پایان، اکثر شان گمراه می شوند و انسان ها را گمراه می کنند. آنها می گویند: "ما در حال حاضر تمیز و پاک هستیم. ما بالاتر از مقام های انسان های عادی افزایش یافته ایم. ما دیگر نیاز به نماز، روزه، زکات، حج نداریم، چونکه اکنون در مقام بسیار بالا هستیم!"

این نوع از انسان فاسق (کسی که آشکارا گناه می کند)، زندیق (کافر)، و هیچ چیز دیگری نیستند. کسانی که با آنها سقوط میافتند، احمق هستند. این عبادات های است که الله درست کرده است، به عنوان



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

فرض (لازم) دستور داد. حضرت پیامبر مان (ﷺ) نماز می خوانند، روزه می گرفت، زکات می داد و حج را انجام می داد. پس شما خود را بالاتر از حتی حضرت پیامبر مان (ﷺ) در نظر میگیرید. چه نوع از بی ادبی این است، چه نوع از حماقت این است؟! از زمان به زمان کسانی که است که انسان ها را اینطوری فریب می دهند. این آخر زمان است و در حال حاضر همه نوع فتنه وجود دارد. آنها با ایمان انسان ها نیز بازی می کنند. به همین دلیل است که چرا لازم است ما به طور مداوم محتاط باشیم. آنها آنچه نیاز داریم به ما ها می گویند. انشاءالله الهام می آید، و این مسئله ها را بگوییم.

این آدم ریش خود را رشد داده است، یک خرقة می پوشد - این عجیب است -، او همچنین در مورد همه چیز آگاه است و خیلی صحبت می کند. انسان ها می توانند توسط این فریب بشوند. بنابراین، توجه به اصلی کنید. اگر شما با کسی می روید، چونکه شما یک دانشمند نیستید، شما باید مراقب باشید که آیا دارید امر الله را پیروی می کنید یا نه.

همچنین بعضی از انسان ها می گویند، وجود دارد "میتوانیم نماز را نه خوانیم، اما صحبت را باید بخوانیم!" شناخته شده، انسان های شناخته شده می توانند این چیز را بگویند. خوب نیست که نماز را ترک کنیم و بعداً بخواهیم. همانطور که حضرت پیامبر مان (ﷺ) فرمود: مهم نیست چقدر ثواب داشته باشد، نمی توانید نجات کنید نمازی که ترک کرد دهید و جبران کنید. حتی اگر شما همه ثروت خود را بدهید، نمی توانید فضیلت آن را به دست بیاورید. "عینی این آسان نیست، اینها سبک هستند، لازم است اینها را آسان نگیرید. نماز را باید در وقتش بخوانید.

دوباره یکی مسئله دیگر وجود دارد: کودک درس می خواهند و در آینده یک امتحان دارد. آنها به کودک می گویند، "روزه را بشکنید، کودک ها روزه را بشکنند." پس از رسیدن به سن بلوغ، آنها باید یک روز روزه بگیرند برای هر روزی که شکستند، و چونکه به سن بلوغ رسیدن، لازم است ۶۰ روز روزه به عنوان کفاره انجام بدهند. الله به شما کمک نمی کند تا این کار را انجام ندهید. حتی اگر کودک تان به جای رسید، خیر نیست. امر های الله مهم هستند. الله شما را برای امتحانات، برای امتحانات دانشگاه خلق نکرده است. اگر آنها ثبت نام کردند، اجازه دهید ثبت نام کنند. اگر نمی توانند ثبت نام کنند، پس ثبت نام نکنند. شما میتوانید بگوید که امر الله را پیروی می کنید. حضرت پیامبر مان (ﷺ) فرمود، "حتی اگر شما برای بقیه کال عمر خود روزه بگیرید، شما می توانید حتی یک بخشی از آن روز که بی دلیل روزه را شکستید نجات دهید."

این انسان ها فکر می کنم ما برای این دنیا زندگی می کنیم، در حالی که ما می بینیم مهم نیست چقدر یک انسان عمر کند، در پایان آنها می میمیرند. نه کار تمام شده، نه درس و نه هیچ چیز آنجا است. هیچ چیزی تمام نمی شود. آنچه تام می شود عمر ما ها است! طول عمر خود را در آرزوی صرف نکنید!

شما باید امر الله را پیروی کنید: شما می توانید روزه بگیرید و در امتحان به خواست الله قبول شوید. هیچ مانعی وجود ندارد. در واقع، یک انسان میتواند بهتر یاد بگیرد هنگامی که گرسنه می آموزد.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

البطنة تذهب الفطنة

او می گوید، "انسانی که خیلی به شکم خود فکر می کند، یک عقل ضعیف دارد." خیلی خوردن فایده برای عقل ندارد. بر عکس، در زمان حضرت پیامبر مان (ﷺ)، آن آدمیان، صحابه - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ - آدم بودند، به آنها رجال می نامیدند، یک سنگ در معده خودشان می گذاشتند و حدیث حضرت پیامبر مان (ﷺ) را حفظ می کردند، قرآن را حفظ می کردند. آنها حتی لباس نداشتند بر اینکه خودشان را کامل بپوشانند.

آنها اکثر زمان گرسنه بودند. آنها برای ما کامل ترین سیستم برای انسانیت را روایت کردند. آنها روزه را میکشاندند؟ آیا آنها روزه را میکشاندند با گفتند، "نه، در امتحان خوب جواب نمی دهیم و گیره؟" نه، این کار را نمی کردند. انسان ها اکنون حتی یک غذا را برای رضایت الله فدا نمی کنند. کسانی که کودک می گوئیم، بین ۱۸ - ۲۰ سال دارند، اکنون کودک هستند. اما پس از ۱۵ سال آدم هستند. بنابراین، هر چی برای بزرگ ها فرض (لازم) است، نیز براین آنها فرض است. لازم است این را فراموش نکنیم.

حضرت پیامبر مان (ﷺ) می گوید: "کسانی که آنچه را که باعث نه راضی الله است، و دنیا رضایت است، انجام می دهند، اسلاً خوب نیستند. الله جل جلاله (ﷻ) دوست ندارد کسانی که روزه را میشکنند. "فاسق و کافر را دوست ندارم،" الله عز و جل می گوید. هیچ کسی دوست ندارد کسانی را که الله دوست ندارد، و برای هیچ چیز خوب نیستند. ممکن است در دنیا خیلی با ادب باشند. اما ارزش ندارند. هیچ فایده ندارد اگر در نزد الله ارزش ندارند.

کل جهان ارزش یک پشه را ندارد، حتی بال یک پشه در نزد الله ندارد. هنگامی که کل جهان اینطوری است، خواهد دختر و یا پسر خود بیشتر ارزش داشته باشد در نزد الله اگر آنها تحصیل کرده است. آن ارزش را ندارند. کسانی که شایسته در نزد الله هستند، مومنان هستند، کسانی که از الله اطاعت می کنند. لازم است هر کس این را بدانند.

ما می توانیم این را بارها و بارها بگوئیم اما هیچ فایده ندارد. با این حال، دوباره آنها می آیند و می گویند: "برای این بچه دعا کن به طوری که قبول شود." "آیا این بچه نماز می خواند؟" "نه." "آیا او دو رکعت در روز می خواند؟" "نه." "یک بار در هفته؟" "نه، او نیز این کار را انجام نمی دهد. برای او دعا کن." "من به این بچه غذا نمی دهم. شما به او غذا می دهید. حداقل، به او نشان بدهید الله بگوید. "دانشگاه و مدرسه"، "مدرسه و دانشگاه". شما به او هیچ چیز دیگری نشان نمی دهید.

دانشگاه چیزی جز شرارت نشان نمی دهند. کسی که فامیل اش او را خوب تربیت کرده است، نیز آنجا میتواند محافظت باشد. حتی اگر آنجا خطر وجود دارد، به خواست الله، خداوند آنها را کمک می کند. الله ما را زیر محافظت نگر دارد. باشد که الله به همه انسان ها، همونطوری که قبلاً بهلول مان گفتیم، به همه عقل عطا کند.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

و من الله التوفيق.
الفتاحه

حضرت شیخ محمد محمت عادل
۱ ربیع الآخر ۱۴۳۸، درگاه آکیابا، پس از حضرة